

کودکی

محمد معین در روز ۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ در حوالی رشت به دنیا آمد. پدرش شیخ ابوالقاسم از روحانیان شهر بود. بر طبق صفحه اول دستخطی که وی درباره زندگی خود نوشته، تاریخ تولد وی ۱۷ رجب سال ۱۳۳۲ (قمری) برابر با ۲۱ جوزای سال ۱۲۹۳ است. در متن دانشنامه دکترای سال تولد وی ۱۲۹۱ ذکر شده است. ولی در نوشته قاب شده‌ای که در خانه وی و در اتاق کارش به دیوار آویخته است تاریخ تولد او دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ نوشته شده است.

او که اولین فرزند خانواده بود، در سن شش سالگی مادرش را از دست داد و پنج روز بعد از فوت مادر، پدرش نیز درگذشت. جد پدری او شیخ محمدتقی معین‌العلماء که در سلک علمای روحانی بود، به تربیت وی همت گذاشت. محمد معین ترقیات علمی و معنوی خود را مدیون او می‌دانست. جد مادری او شیخ محمد سعیر نیز از علما و مدرسان علوم قدیمه بود.

تحصیلات

محمد معین تحصیلات دبستانی را در دیستان اسلامی انجام داد، و دوره شش ساله ابتدایی را ظرف دو سال پایان رساند. در رشت دوره اول متوسطه را در دبیرستان نمره ۱ (که بعدها به نام دبیرستان دولتی شاهپور خوانده شد) به اتمام رساند و دوره دوم متوسطه را در رشته ادبی در دبیرستان دارالفنون تهران به پایان رساند. در اوان تحصیل در دبیرستان، صرف و نحو عربی و بخشی از علوم قدیمه را نزد پدربزرگش و مرحوم سید مهدی رشت‌آبادی فرا گرفت. در سال ۱۳۱۰ در دانشسرای عالی در رشته ادبیات و فلسفه علوم تربیتی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۱۳ با نوشتن پایان‌نامه‌ای به زبان فرانسه در مورد شاعر فرانسوی «لوکنت دولیل» در رشته ادبیات و فلسفه به اخذ مدرک کارشناسی نایل شد.

پس از طی دوره شش ماهه دانشکده افسری احتیاط، شش ماه اول سال ۱۳۱۴ را به خدمت افسری گذراند و در مهر ماه آن سال به دبیری دبیرستان شاهپور اهواز منصوب شد. پس از سه ماه، ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز را یافت و در عین حال عضویت تحقیق اوقاف و ریاست پیشاهنگی و تربیت بدنی استان ششم به عهده وی بود. در همین ایام به وسیله مکاتبه آموزشگاه روانشناسی بروکسل، که تحت نظر Elmer Knowles روانشناس اداره می‌شد، روانشناسی عملی و دیگر شعب آن از قبیل خط شناسی، قیافه شناسی و مغزشناسی را فراگرفت.

در سال ۱۳۱۸ به تهران منتقل گردید. در حین تصدی معاونت و سپس کفالت اداره دانشسراها در وزارت فرهنگ، برای دوره دکترای ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ثبت نام نمود. پس از چندی با حفظ سمت به دبیری دانشکده ادبیات منصوب گردید. در روز سه شنبه ۱۷ شهریور سال ۱۳۲۱ از پایان‌نامه دکترای خود با عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» دفاع کرد. پایان‌نامه او با راهنمایی ابراهیم پورداوود با قید «بسیار خوب» پذیرفته شد و محمد معین به عنوان نخستین فارغ‌التحصیل دوره دکترای ادبیات فارسی در ایران شناخته شد. از آن پس به سمت دانشیار و سپس به سمت استاد کرسی «تحقیق در متون ادبی» در دانشکده ادبیات برگزیده شد.^۱ در ۱۳۲۱ ازدواج کرد که نتیجه آن ۴ فرزند می‌باشد. از آغاز سال ۱۳۲۵ شمسی که چاپ لغت‌نامه دهخدا طبق قانون، در مجلس شورای ملی آغاز شد، دکتر معین به همکاری علی‌اکبر دهخدا برگزیده شد. در دی ماه ۱۳۳۴ با موافقت علی‌اکبر دهخدا، سازمان لغت‌نامه از منزل شخصی دهخدا به مجلس شورای ملی منتقل شد و طبق وصیت نامه دهخدا، دکتر معین به ریاست امور علمی آن سازمان منصوب گردید. در اسفند ۱۳۳۶ سازمان مذکور به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران انتقال یافت و طبق اساسنامه مصوب شورای دانشگاه، ریاست سازمان لغت‌نامه به عهده دکتر محمد معین گذاشته شد. وی این سمت را تا آخرین روزی که دچار سکت گردید به عهده داشت.

درگذشت

محمد معین در ۹ آذر ۱۳۴۵ پس از بازگشت از ترکیه، در دفتر گروه زبان و ادبیات فارسی دچار بیهوشی موقت شد. بلافاصله به بیمارستان آریا در تهران منتقل شد و بستری گردید. گفته می‌شود که در اثر اشتباه پزشک به حالت اغما فرورفت. وی را جهت معالجه بیشتر در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۴۶ به کشور کانادا منتقل کردند. ولی چون بهبودی در وضعیت او مشاهده نشد، در ۱۵ آبان ۱۳۴۶ به ایران بازگردانده شد و در بیمارستان فیروزگر بستری شد. دکتر محمد معین در روز ۱۳ تیرماه ۱۳۵۰ در همان بیمارستان درگذشت.^۲

در مراسم درگذشت دکتر محمد معین عده‌ای در حدود دویست نفر شرکت داشتند که با توجه به شخصیت والای او رنجش بسیاری از فرهنگ دوستان آن زمان ایران را برانگیخت. ابوالقاسم انجوی شیرازی در فردای روز تشییع جنازه مقاله‌ای انتقادی با عنوان «تهران بمیر» در روزنامه اطلاعات انتشار داد و این تشییع جنازه را از سرگله از فرهنگ‌دوستان با تشییع جنازه مهوش مقایسه کرد.

محمد معین را در زادگاهش، آستانه اشرفیه، به خاک سپردند. در سال ۱۳۸۰، عده‌ای به آرامگاه او یورش بردند و به «اتهام» همکاری معین با رژیم پیشین آن را ویران کردند.

مسافرتها

در تابستان سال ۱۳۳۳ به دعوت دانشگاه هاروارد به آمریکا رفت و از موسسات فرهنگی و فنی و هندی شرق آمریکا دیدار کرد. پس از آن در کتابخانه‌ها و موزه‌های لندن و پاریس نیز مطالعاتی بعمل آورد.

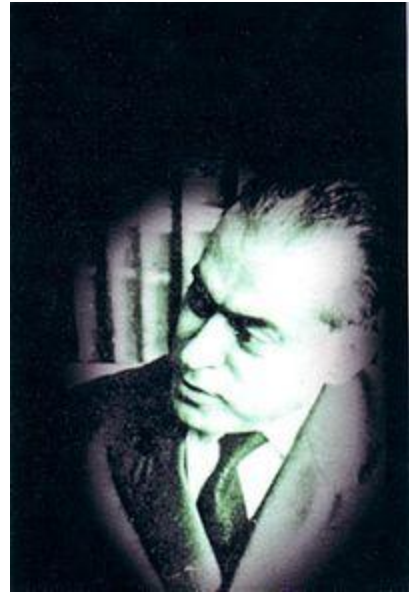
در تابستان ۱۳۳۶ جزو هیئت اعزامی دولت و دانشگاه تهران به کنگره خاورشناسی در مونیخ به اروپا رفت و مدتی در سوئیس و آلمان به پژوهش پرداخت. در کنگره مزبور به عضویت «کمیته مجموعه کتیبه‌های ایرانی» (به انگلیسی Corpus Inscription Iranicarum؛ عضویت کمیته تألیف «فرهنگ پهلوی» منصوب گردید و سخنرانی تحت عنوان «هورقلیا» به زبان فرانسه ایراد نمود که خلاصه آن در مجموعه سخنرانیهای کنگره مزبور درج گردید. در همین کنگره دوره برهان قاطع که به تصحیح و تفسیر او رسیده بود، از طرف والتر هنینگ و امیل بنونیست و دکتر محمد باقر (از کشور پاکستان) مورد تقدیر قرار گرفت.

در آذر ماه ۱۳۳۶ به دعوت دانشگاه‌ها و فرهنگستان‌های مسکو و لنینگراد و باکو، برای بازدید از موسسات علمی و سخنرانی در زمینه فرهنگ و ادب ایران و رفع بعضی اشکالات متون ادبی و دستور زبان فارسی به کشور اتحاد جماهیر شوروی سفر کرد.

در ژانویه همان سال در «مؤتمر اسلامی» (به انگلیسی Islamic colloquium) که در لاهور پاکستان منعقد گردید، شرکت کرد و در باب «صلح در نظر جلال الدین مولوی» به انگلیسی سخنرانی کرد که در مجموعه مؤتمر به چاپ رسید.

در فروردین ۱۳۳۷ از طرف «مرکز ملی پژوهش‌های علمی» فرانسه (CNRS) برای بازدید از موسسات علمی فرانسه و ایراد سخنرانی‌ها در دانشگاه پاریس دعوت شد و تا آخر تابستان آن سال در فرانسه بود. در این مدت یک سلسله سخنرانی در مدرسه پژوهش‌های عالی در زمینه تصوف ایرانی و تفاوت آن با شیخیه ایراد نمود که گزارش آن در سالنامه ۵۹-۱۹۵۸ مدرسه مزبور مندرج است. علاوه بر این سخنرانی درباره جلال‌الدین محمد بلخی در دانشکده ادبیات دانشگاه سوربن ایراد نمود. در همین ایام به عضویت انجمن خاورشناسان Societe Iasiatique در پاریس و انجمن فلسفی ارنست رنان پاریس درآمد. ضمناً چندی در کتابخانه‌ها و موزه‌های بلژیک و هلند به مطالعه پرداخت. در سال ۱۳۴۲ (برابر با ۶۴-۱۹۶۳ میلادی) طبق دعوت دانشگاه پرینستون آمریکا به آن کشور رفت. آذرماه ۱۳۴۵ برای شرکت در کنفرانس فرهنگ منطقه‌ای، به مدت یک هفته به ترکیه عزیمت نمود.

امتیازات فرهنگی



دکتر معین در سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۳ عضو شورای عالی فرهنگ بود. در کنگره‌های هزاره ابن سینا، هفتصدمین سال خواجه نصیرالدین طوسی، آزادی فرهنگ که در تهران برگزار شد، عضویت داشت و در آنها به ایراد سخنرانی پرداخت. در سال ۱۳۳۳ برای کتاب جامع الحکمتین ناصر خسرو که نخستین بار توسط هانری کربن (خاورشناس فرانسوی) و دکتر معین تصحیح و چاپ شده بود، از طرف فرهنگستان *Academie des Inscriptions et Belles-Lettres* فرانسه، به دریافت جایزه نایل آمد.

در تابستان ۱۳۳۷ بنا به تصویب هیئت وزیران ایران، به عضویت فرهنگستان ایران انتخاب شد و این انتخاب در پاییز ۱۳۴۰ از طرف هیئت وزیران مجدداً تایید شد. در مهرماه ۱۳۳۷ به عنوان «استاد ممتحن خارجی» دانشگاه پنجاب (پاکستان) برای مطالعه و اظهار نظر در رساله‌های دکترای آن دانشگاه برگزیده شد. از سال ۱۳۲۴ با پروفسور هانری کربن در تصحیح و نقد متون فلسفی و عرفانی فارسی و عربی همکاری داشت. در نتیجه این همکاری، یک سلسله کتب فارسی و عربی از طرف انیستیتوی ایران و فرانسه چاپ و منتشر شده‌است.

در آذرماه ۱۳۳۸ از نیما یوشیج، پیشوای شعر نو در ایران وصیت نامه‌ای بدست آمد که در آن دکتر معین را بدون اینکه دیده باشد، به عنوان وصی تعیین کرده بود تا اشعار وی را بررسی کند و قسمت لازم را انتشار دهد و انتخاب و طبع اشعار نیز تحت نظر وی باشد.

از تاریخ ۹ تا ۱۵ شهریور ۱۳۴۵ ریاست کمیسیون ادبیات را در کنگره جهانی ایران‌شناسان عهده دار بود.